

# فرهنگ نظامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانیت

## یادداشت مجله

در زبان پارسی امروزی و بالنتیجه در فرهنگ ارتش شاهنشاهی، واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه (تازی، ترکی و اروپائی) بسیار است که از دیر زمان بدان راه یافته و بی گمان بر اثر هم آهنگ ساختن پیشرفته‌های ارتش شاهنشاهی با ترقیات روز افزون ارتشهای کشورهای بزرگ جهان هم رفته رفته واژه‌های دیگری خواه ناخواه وارد فرهنگ ارتش خواهد شد.

این افزونی واژه‌های بیگانه و اختلافی که در نحوه پذیرش و بکار بردن آنها در یگانهای ارتش شاهنشاهی پدید آمده بود، ستاد بزرگ ارتشتاران را بلزوم يك وحدت کلام و هم آهنگی کاری در یگانهای ارتش متوجه ساخت و بدین اندیشه از پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران استدعا شد در غیاب فرهنگستان ایران، يك هیأت علمی صلاحیت دار بنام انجمن فرهنگ ارتش مرکب از چند تن از استادان زبانشناسی دانشگاه تهران و افسران مطلع و عالیرتبه ارتش شاهنشاهی تشکیل گردد تا برای واژه‌ها و اصطلاحات نظامی بیگانه که در ارتش ایران رایج شده است، واژه‌های فارسی برگزینند که با اصول زبان پارسی موافق و مأنوس باشند. مستدعیات ستاد بزرگ ارتشتاران مورد تصویب پیشگاه مبارک شاهانه قرار گرفت و بدینگونه

## افسران و استادانی بدین شرح برگزیده شدند :

رئیس انجمن فرهنگ ارتش	تیمسار ارتشید دکتر بهرام آریانا
هموند ارتشی	تیمسار دریا دار رأفت
»	تیمسار سپهبد اربابی
»	تیمسار سپهبد فریهون تأییدی
»	سرلشکر دکتر ابوالحسن سعادت‌نمند
»	سرلشکر سعید رضوانی
استاد دانشگاه تهران	استاد ابراهیم پور داود
»	دکتر ذبیح‌اله صفا
»	دکتر محمد مقدم
»	دکتر بهرام فره‌وشی
»	دکتر ماهیار نوایی
»	دکتر مظفر شهیدی
هموند	استاد ذبیح بهروز
مشاور ویژه	آقای غلامرضا دادبه

انجمن فرهنگ ارتش تا کنون، نزدیک به هفتاد واژه اصیل و موافق با اصول زبان فارسی برای نیازمندیهای ارتش شاهنشاهی برگزیده است که بخشی از آنها درخور شرح و توصیف بیشتریست و بهمین جهت مجله بررسی های تاریخی از دانشمندان گرانقدر آقای دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه تهران که تحصیلات خود را در مؤسسه مطالعات عالیّه وابسته بدانسگاه پاریس درباره تمدن و زبانهای ایران کهن بانجام رسانیده اند خواستار شد، توضیحاتی درباره این دسته از واژه ها بنویسند و اینک در این شماره توضیحات علمی و مستدل ایشان درباره .... واژه هموند، ژرفاشیب، آفند و پدافند، از نظر خوانندگان میگذرد.

بررسی های تاریخی

بررسی چند واژه نوکه انجمن فرسنگ

ارتش برگزیده است

نوشته: بهرام فره‌وشی

«اکتور تمدن و زبانهای ایران کهن»

هموند

این واژه از پیشوند «هم» و ریشه «وند» ترکیب یافته است.

«وند» ریشه یکم زمان حال از مصدر بستن است. فعل بستن يك فعل دوریشه‌ای است. ریشه یکم آن «بند» و ریشه دوم آن «بست» است و این هر دو در ریشه‌شناسی زبانهای کهن ایرانی اسم مفعول هستند. ریشه بند و بست در تحول تاریخی خود، هم شکل اصلی خود را نگاه داشته و هم بصورت «وند» و «وست» درآمده‌اند و شکل تحول یافته این دوریشه را در پیوند و پیوسته و پیوسته و همانند آنها میتوان یافت.

واژه هموند یعنی همبسته و بهم پیوسته و بجای عضو بکار برده شده است، عضو يك خانواده یعنی همبسته و پیوسته و هموند يك خانواده.

این واژه در گویش زرتشتیان کرمان هنوز پایدار است و بهمین معنی عضو، سالها است که بکار میرود.

## ژرفاشیب :

این واژه يك واژه فنی است و مقصود از آن، قسمتی از دریاست که باشیب عادی قاره ای که بآن پیوسته است به تك دریا می رود و در آنجا یا یکباره میشکند و به دره ای پایان می یابد و یا هم کف دریا می گردد. این قسمت از دریا همواره متعلق بکشوری است که در ساحل آن دریا واقع گشته است و گاهی این ژرفاشیب تا صدها کیلومتر از کرانه دریا گسترده شده است و تا عمق دریا پیش می رود. این واژه را بیشتر به نادرست فلات قاره می گفتند، در حالی که واژه فلات از نظر تعریف جغرافیائی بخشی از زمین است که از رویه دریا بلندتر باشد و نمی تواند در کف دریا قرار گیرد و در هر حال معنی بین المللی گفته شده را نمی سازد.

واژه ژرفاشیب که بجای فلات قاره آورده شده است بمعنی شیب و سرازیری طبیعی قاره است که در زرفای دریا پایان می پذیرد.

## آفند

آفند از ریشه هند و اروپائی Fendo است که در فرهنگ های پارسی بمعنی جنگ و جدال و عداوت و خصومت آمده است و در واژه های ارتشی بجای تعرض بکار می رود.

مصدر این واژه در فرهنگ برهان قاطع بصورت آفندیدن و هم بصورت افندیدن بمعنی جنگ و خصومت آمده است.

واژه آفند در فهرست واژه های شاهنامه و لفظ بمعنی جنگ و جدال آمده است و در شاهنامه در مصرعی چنین آمده است : «جز آفندکاری ندارد دگر»

سوزنی شاعر قرن ششم این واژه را در شعری  
چنین آورده است:

آورد پیامی که مبادا که خوری می  
مستک شوی و عربده آغازی و آفند  
لیبی، شاعری که در پایان سده چهارم و آغاز سده  
پنجم میزیسته است این واژه را در شعری چنین  
آورده است:

در دل او آن نصیحت کار کرد

تسرك آفندیدن و پیکار کرد  
در فارسی معمول در افغانستان نیز این واژه بکار  
می‌رود. در افغان قاموس فارسی به پشتو، عبدالله افغانی  
نویس این واژه را بصورت افنیدن به معنی جنگ و  
خصومت کردن آورده است.

#### پدافند

واژه پدافندتر کیب یافته است از پیشوند، «پد» و  
واژه «آفند» که ذکر آن رفت. پیشوند «پد» در پهلوی  
بصورت پت Pat و در اوستایی بصورت پیتی Paiti  
آمده است و معنی آن ضد و مخالف است. همین پیشوند  
است که در واژه‌های پتیاره و پادا فرآه و پاداش و پاسخ  
و جز آن آمده است. و هنگامی که جلوی واژه آفند  
آورده شود، معنی ضد جنگ و خصومت میدهد و میتواند  
آنرا بجای دفاع بکار برد.